

## عافیت باشه! ...

مترجم: پرویز ایرانزاد

از: آرت بوخوالد طنزنویس معاصر آمریکایی

"شل کن، سفت کن" ابرقدرتها در کنفرانس خلع سلاح  
ژنو مرا به فکر انداخت، تا به اتفاق خوانندگان سری به  
دوازده هزار و ششصد و پنجاه و چهارمین کنفرانس ۱۷ جانبه  
خلع سلاح جهانی بزیم که فی المثل در ۱۹۹۴ در ژنو - یا  
اللعا علم در گجا - تشکیل خواهد شد.



جلسه رسمیت پیدا کرده و "مستراستون" نماینده  
تام الاختیار ایالات متحده خود را برای ایراد یک  
خترانی شدید اللحن آماده کرده است. استون بیامی خیزد. اما  
هنوز حرفی از دهانش خارج نشده، مجبور می شود عطسه  
جانانای بیرون بدهد. شدت عطسه چرت نمایندگان  
تام الاختیار را پاره می کند و از هم جای تالار صداهایی چون:  
"چی شد، چه خبر شد؟" به گوش می رسد.

آقای گرونیگو، نماینده تام الاختیار شوروی در کنفرانس  
بلند می شود و مشت خود را محکم می گوید روی میز و در حالی  
که انگشت اخطار را به طرف مستراستون گرفته است، فریاد  
می زند:

فقط عطسه کردم.

اتحاد جماهیر شوروی پیشنهاد ایالات

متحد را قویا رد می کند.

گرونیگو دست بردار نیست:

نماینده آمریکا بهت زده است:

درخواست ۵ دقیقه تنفس دارم تا با

اما آقای گرونیگو، من جبری نگفتم.

هیئت خودم مشورت کنم.

با تنفس موافقت می‌شود و هیئت نمایندگی  
فورا " از تالار خارج می‌شود و به غرفه اختصاصی می‌رود.

گرونیگو خطاب به اعضای هیئت می‌گوید:  
دست ما را حسابی بگذارد تو پوست گردو، باید  
جواب دندان شکنی دریافت کند.

- آمریکا با این پیشنهاد خود می‌خواهد

اعضای هیئت تقریبا "متفق القولند که در جواب  
گفته شود:

- "عافیت باشه!"  
- اما از کجا بفهمیم، عطسه نماینده،  
گرونیگو می‌گوید: آمریکا دمی برای اتحاد شوروی نیست؟

معاون گرونیگو اجازه صحبت می‌خواهد و می‌گوید:

اگر به عطسه، مستر استون جواب  
دندان شکن ندهیم، به دست خود آونس بررگی  
به آمریکا داده‌ایم.

- آن وقت همه‌ها خواهد بیجید که ما برای  
آب خوردنمان هم از کرملین دستور می‌گیریم.

گرونیگو راه‌حل می‌دهد:

گرونیگو می‌گوید:

حمله، "عافیت باشه" را با فید شرط  
استفاده از حق "وتو" ادا می‌کنم، تا اگر دیدیم  
کلکی در کار آمریکا هست، بتوانیم آرا "وتسو"  
کسیم.

- به نظر من بهتر است، از مسکو کسب  
تکلیف کنیم.

یک عضو هیئت می‌گوید:

تنفس ۵ دقیقه‌ای تمام می‌شود و هیئت روسی به تالار  
برمی‌گردد.

گرونیگو:

مستر استون:

- جناب رئیس! من مایلم جواب شایسته‌ای  
به اظهارات نماینده آمریکا بدهم.

- نخیر.

رئیس خطاب به مستر استون:

گرونیگو:

- شما اعتراضی ندارید؟

- پس "عافیت باشه!"



مستراستون که شدیداً "عصبانی به نظر می‌رسد، اجازه

صحبت می‌خواهد و فریاد می‌زند:

- آقای رئیس! حسن نیت بالاتر از این

می‌شود که برای عطسه، مستراستون عافیت طلبیدم؟

- من نیت به پیشنهاد نماینده شوروی

شدیدا اعتراض دارم. تا حسن نیت نشان ندهند،

دولت متبوع من پیشنهادشان را قبول نخواهد

کرد.

مستراستون:

- آقای رئیس، تقاضای ۵ دقیقه تنفس دارم

تا قضیه را با همکاران انگلیسی‌ام، در میان بگذارم.

گرونیکو:



با تقاضاهای مستراستون موافقت می‌شود و او همراه

با هیئت‌های آمریکا و انگلیس از تالار خارج می‌شود و جملگی

با عجله وارد غرفه مشورت آمریکا می‌شوند.

استون خطاب به نماینده نام‌الاختیار انگلیس می‌گوید:

حواص هر عطسه او حکما "باید گویم" عافیت

- من پیش از این هم بارها عطسه کرده‌ام.

اما روسها هیچوقت نگفتند "عافیت بانه".

حما کاسای زیر نیم کاسه هست.

مستراستون:

نماینده انگلیس:

- اگر در مورد این یکی کوناه می‌ایم، باید

انکال کار اینجاست که اگر ما در بریان مع علوم در آینده هم سرکیم را شل کنیم و مرتب به آنها

"عافیت بانه" نماینده شوروی بروم، من بعد در

آوانس بدهیم.



پنج دقیقه تمام می‌شود و هیئت‌های آمریکا و انگلیس

به تالار برمی‌گردند.

اما گرونیکو عصبانی است:

مستراستون:

- اما من شدیداً "اعتراض دارم و همچنان

تأکید می‌کنم که کوچکترین تغییری در تمایلات

حنگ طلبانه آمریکا داده نشده است.

- آقای رئیس! به این وسیله تشکرات

قلبی خودم و هیئت همراه را از حسن نیتی که

آقای گرونیکو در عافیت طلبیدن برای من مخرج

دادند، ابراز می‌کنم.

و بدین ترتیب مذاکرات دوازده هزار و ششصد و پنجاه  
 و چهارمین کنفرانس خلع سلاح به بن بست می‌رسد و نمایندگان  
 شرق و غرب با شتاب خود را به تلگرافخانه رسانده و هر یک به  
 نوبه خود تلگرافی به این مضمون به کاخ سفید و کرملین  
 مخابره می‌کنند: "بن بست کامل مذاکرات تا تشکیل دوازده  
 هزار و ششصد و پنجاه و پنجمین کنفرانس تولید سلاحها  
 را ادامه دهید."

